



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۴/۱	نظریه‌های رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»
۲	وزارت امور اقتصادی و دارایی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۰/۴/۲	اصلاحیه قانون اصلاح قانون صدور چک
۲	شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع	۱۴۰۰/۳/۴	رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
۴	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۹/۱۰/۹	رأی شماره ۱۲۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: باتوجه به اینکه کارگران حق بیمه خودشان را از جانب کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده‌اند و سازمان مذکور براساس حق بیمه پرداختی نسبت به ایجاد سابقه بیمه‌ای و انجام تعهدات قانونی اقدام کرده است، بنابراین استرداد آن از سازمان تأمین اجتماعی مبنای قانونی نداشته و کارگران می‌توانند در حدود قوانین و مقررات حق بیمه پرداختی به سازمان مذکور را از کارفرما مطالبه کنند بنابراین حکم به رد صحیح می‌باشد
۵	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۹/۱۲/۱۹	رأی شماره ۲۰۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: صدور رأی وحدت رویه در مورد دادخواست اشخاص حقیقی که مدیر شخص حقوقی هستند و به اعتبار شخص حقیقی خود دادخواست به خواسته ابطال رأی محکومیت شخص حقوقی تقدیم می‌کنند
۶	شورای اسلامی شهر تاکستان	۱۳۹۹/۱۲/۱۹	رأی شماره ۲۰۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره ۱۴-۲ عوارض محلی سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر تاکستان
۷	هیأت وزیران	۱۳۹۹/۱۲/۲۶	رأی شماره ۲۰۰۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۲ مصوبه شماره ۱۶۵۳۰۴/ت۱۶۵۳۳۴هـ-۱۳۹۴/۱۲/۱۶ هیأت وزیران
۸	صندوق توسعه ملی	۱۴۰۰/۲/۲۸	مصوبات جلسه ۱۴۰۰/۲/۲۸ هیأت امنای صندوق توسعه ملی
۸	ستاد کل نیروهای مسلح	۱۴۰۰/۲/۸	اصلاح اساسنامه موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

استادکاران و فعالان صنایع دستی»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثراً خواهد بود.

«۱- بر اساس ماده (۱۴) قانون حمایت از هنرمندان، استادکاران و فعالان صنایع دستی - مصوب ۱۳۹۶ - لازم است آئین‌نامه این قانون «در چهارچوب قانون نظام صنفی» تنظیم شود. با توجه به اینکه تخلفات در فصل هشتم قانون نظام صنفی - مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات بعدی - احصا شده است و هیئت وزیران صلاحیت افزودن به این تخلفات و نیز تفویض این امر به وزرا را ندارد، تبصره بند «۱۳» ماده (۱) مصوبه مبنی بر تعیین سایر مصادیق تخلفات به موجب دستورالعمل مصوب وزراء، از حیث خروج از صلاحیت دولت و ورود به صلاحیت‌های مقنن، مغایر قانون است. ۲- در ماده (۱۰) قانون خدمت وظیفه عمومی - مصوب ۱۳۶۳ با اصلاحات بعدی - موارد لزوم داشتن کارت پایان خدمت یا

قوانین و مقررات عمومی

نظریه‌های رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

۹۸۳

۱۴۰۰/۴/۱

شماره ۲۶۲۵۲/هـ ب

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۱۵۶۱۷۶/ت۵۶۴۴۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷، موضوع: «آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۴) قانون حمایت از هنرمندان،

همچنین برای موارد قطع غیرمجاز درختان، حسب مورد جریمه نقدی و مجازات حبس پیش‌بینی شده است ولی تجویز قانونی برای وضع عوارض برای این موارد وجود ندارد. از این‌رو تبصره «۳» ماده (۵) مصوبه مبنی بر تجویز وضع عوارض برای قطع درختان، از حیث فقدان مجوز قانونی برای این امر، مغایر قانون می‌باشد. ۳- طبق ماده (۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲- ضابطان دادگستری به موجب «قانون» مشخص می‌شوند. بنابراین، بند «ه» ماده (۱۰) مصوبه مبنی بر شناختن مأمور تنظیم‌کننده اطلاعات شناسنامه باغات به عنوان ضابط دادگستری، از جهت اینکه چنین امری در قوانین پیش‌بینی نشده، مغایر قانون است. ۴- بر اساس قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه - مصوب ۱۳۷۵- لازم است در قوانین و مقررات، از واژگان و خط فارسی استفاده شود. بنابراین، ماده (۱۱) و تبصره «۱» ماده (۱۰) مصوبه از حیث کاربرد واژه و خط غیرفارسی، مغایر قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

۱۴۰۰/۴/۲

شماره ۲۶۴۵۳

جناب آقای اکبرپور

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

بند ۲ از ماده ۳ «قانون اصلاح قانون صدور چک» مصوب ۱۴۰۰/۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی که طی شماره ۲۰۸/۱۴۰۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۷ به رئیس‌جمهور ابلاغ گردیده است، با متن چاپ شده آن در روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۱۸۸ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲ به شرح زیر مغایرت دارد. استدعا دارد دستور فرمایید نسبت به اصلاح آن اقدام گردد.

توضیحات	شرح اختلاف		محل اختلاف		ردیف
	متن منتشره روزنامه رسمی کشور	متن قانون ابلاغی	بند	ماده	
پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذی‌نفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است، امکان‌پذیر می‌باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین‌شده در گردیده است، امکان‌پذیر می‌باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین‌شده فاقد اعتبار است.	پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذی‌نفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است، امکان‌پذیر می‌باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین‌شده درج گردیده است، امکان‌پذیر می‌باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین‌شده فاقد اعتبار است.	۲	۳	۱	

مدیرکل اداره کل اسناد و تنقیح قوانین - ابوالفضل الموتیان

۱۴۰۰/۳/۲۶

شماره ۱۱۰/۱۵۲/۱۲۴۰۹

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۷۳/۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه و رأی شماره ۸۱۰ - ۱۴۰۰/۳/۴ به شرح ذیل تنظیم و جهت انتشار ارسال می‌گردد. معاون قضایی دیوان عالی کشور - غلامعلی صدیقی

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۷۳/۹۹ ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه، مورخ ۱۴۰۰/۳/۴ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید احمد مرتضوی مقدم، رئیس محترم دیوان عالی کشور و با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محسن موسوی، نماینده محترم دادستان کل کشور با شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظر نماینده محترم دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۱۰ - ۱۴۰۰/۳/۴ منتهی گردید.

الف) گزارش پرونده

به استحضار می‌رساند، آقای سید میثم ...، وکیل محترم دادگستری، با اعلام اینکه از سوی شعب شانزدهم و بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، در خصوص تأثیر فسخ بیع در معاملات قبل از فسخ، آراء مختلف صادر شده است، درخواست طرح موضوع را در هیأت عمومی نموده است که گزارش امر به شرح آتی تقدیم می‌شود:

الف) به حکایت دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۱۵۱۱۱۰۵۶۱ - ۱۳۹۸/۴/۳۱ شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی ساری، آقای علی ... به طرفیت آقایان ابوالفضل ...، سید حسین ... و سید مجتبی ... دعوی به خواسته ابطال مبیعه‌نامه مورخ ۱۳۹۴/۴/۵ تنظیمی خوانده ردیف اول با دوم و مبیعه‌نامه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۱ تنظیمی خواندگان ردیف دوم و سوم ...

معافیت دائم یا موقت تعیین شده است. طبق بند «ه» این ماده «صدور پروانه کسب و اجازه اشتغال» نیز از جمله این موارد است. از آنجاکه برخی از مجوزها و گواهی‌های مذکور در ماده (۳) قانون حمایت از هنرمندان، استادکاران و فعالان صنایع دستی، از جمله بندهای «ب» و «ت» این ماده، از مصادیق «پروانه کسب و اجازه اشتغال» نیستند، بنابراین، بند «۳» ماده (۴) آیین‌نامه که برای متقاضیان تمام مجوزهای موضوع ماده (۳) قانون حمایت از هنرمندان، استادکاران و فعالان صنایع دستی، کارت پایان‌خدمت یا معافیت دائم یا موقت را لازم می‌شمارد، از حیث تضییق دامنه شمول قانون، مغایر قانون است. ۳- طبق ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی - وظایف نیروی انتظامی مشخص شده و بر اساس بند «۸» این ماده، این نیرو به عنوان ضابط دادگستری وظایفی از قبیل «مبارزه با قاچاق» و «مبارزه با منکرات و فساد» را برعهده دارد. بنابراین، ماده (۱۰) آیین‌نامه که جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای متخلف توسط نیروی انتظامی را «صرفاً» با نظر مراجع مذکور در این ماده مجاز دانسته، از حیث تضییق وظایف نیروی انتظامی، مغایر قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

۹۸۴

۱۴۰۰/۴/۱

شماره ۲۶۲۵۷/هـ ب

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۱۵۰۹۳۳/ت/۵۸۵۷۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹، موضوع: «تعیین مبلغ تسهیم درآمد تضمین شده دارندگان پروانه‌های کارورهای مجازی تلفن همراه و ارائه خدمات ارتباطی ثابت»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثراً خواهد بود.

«بر اساس جزء «۲» بند «ب» تبصره (۶) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور که مقرر می‌دارد: «حق‌الامتیاز و حق‌السهم دولت از کارورهای ارائه‌دهنده خدمات مخابراتی پس از پایان قرارداد فعلی آنها به میزان ده واحد درصد (۱۰٪) افزایش می‌یابد. بنابراین، بند «۱» مصوبه مبنی بر تعیین حق‌السهم صفر برای کارورهای مجازی تلفن همراه و ثابت در سال ۱۴۰۰، از حیث عدم افزایش حق‌السهم دولت تا حداقل رقم مزبور، مغایر قانون است.»

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

۹۸۵

۱۴۰۰/۴/۱

شماره ۲۶۲۶۰/هـ ب

جناب آقای احمدی

رییس محترم شورای عالی استانها

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه شورای عالی استانها به شماره ۱۴۰۰/۱۴۲۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۱، موضوع: «اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره (۴) الحاقی به «قانون نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثراً خواهد بود.

۱- مطابق ماده (۶۰) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) - مصوب ۱۳۹۳ - «دریافت و پرداخت هرگونه وجهی تحت هر عنوان توسط دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی باید در چهارچوب قوانین موضوع کشور باشد». بنابراین، تبصره «۳» ماده (۴) و تبصره «۳» ماده (۱۲) مصوبه مبنی بر تجویز دریافت کارمزد پانزده درصدی (۱۵٪) از اشخاص توسط شهرداری، از حیث فقدان مجوز قانونی برای این امر، مغایر قانون است. ۲- در مواد مختلف لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها - مصوب ۱۳۵۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی - به اخذ پروانه برای اجازه قطع درخت با شرایطی اشاره شده و

فسخ اعمال نگرديده خللی بر صحت آن ایجاد نمی‌کند به جهت اینکه اثر فسخ نسبت به آینده است و از تاریخ فسخ آثار آن جاری می‌گردد ... همانطور که قانونگذار فسخ عقد بیع پس از اجاره یا رهن مبیع توسط مشتری را موجب ابطال عقد اجاره ندانسته است و متعاملین فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ نیز عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت را بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط ننموده‌اند، بنابراین اعلام فسخ واخوانده که پس از عقد بیع مورخ ۱۳۹۴/۴/۶ محقق گشته، نمی‌تواند موجب ابطال بیع مذکور گردد، لذا دادگاه با عنایت به مطالب معنون با قبول واخواهی و نقض دادنامه معترض عنه مذکور با استناد به مواد ۳۰۵ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۰، ۲۱۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون مدنی حکم به بطلان دعوی واخوانده صادر می‌نماید.»

با تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۹/۲/۲۰ - ۹۹۰۹۹۷۱۵۱۷۶۰۰۲۰۸، چنین رأی داده است:

«... نظر به اینکه دلیل و بینه‌ای که موجبات نقض و گسیختن دادنامه موصوف را فراهم نماید اقامه و ابراز نشده و رأی صادر شده از حیث رعایت تشریفات دادرسی و انطباق با قوانین و قواعد مربوطه، فاقد اشکال و ایراد است با وصف مراتب فوق، دادگاه تجدیدنظرخواهی به عمل آمده را در خور پذیرش ندانسته به استناد ماده ۳۵۸ از قانون آیین دادرسی مدنی رأی مورد اعتراض را تأیید و استوار می‌نماید.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، شعب شانزدهم و بیست و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، در خصوص تأثیر فسخ بیع در معاملات قبل از فسخ، اختلاف نظر دارند، به طوری که شعبه بیست و پنجم فسخ بیع را مؤثر در معاملات انجام شده قبل از فسخ نمی‌داند، اما شعبه شانزدهم این معاملات را باطل می‌داند.

بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط از قانون محقق شده است، لذا در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی - غلامعلی صدقی

(ب) نظریه دادستان محترم کل کشور

احتراماً؛ در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۷۳/۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شرح آتی اظهار عقیده می‌نمایم:

۱. هر چند عقد بیع از زمره عقود تملیکی بوده و به مجرد انعقاد آن فی‌مابین متعاقدين، مالکیت فروشنده نسبت به مورد معامله زائل و علاقه مالکیت مشتری بر مورد معامله مستقر می‌گردد و این حق مالکیت نیز کامل‌ترین حق عینی بوده که به مالک اجازه هر گونه انتفاع از مالکیت خود را می‌دهد و هیچ کس نمی‌تواند این حق را محدود نماید و یا مانع از اعمال حق مالکانه شود، لیکن در مواردی نیز متعاقدين این انتقال مالکیت را منوط به تحقق شروطی نموده و برای تخلف از این شروط، حق فسخ را پیش‌بینی می‌نمایند و این حق زمانی برای صاحب شرط قابلیت اعمال را دارد که مراتب تخلف طرف مقابل را به اثبات رسانیده باشد و این موضوع در قالب خیار تخلف از شرط قابل اعمال است. چون در خیار تخلف از شرط، فرض این است که متعهد به التزام خود وفا نمی‌کند و اجبار او نیز میسر نمی‌شود و به وسیله دیگران هم نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید، لذا در اینگونه موارد شخصی که شرط به سود اوست و راهی برای رفع ضرر ندارد، حق فسخ عقد را پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر، خیار تخلف از شرط، نتیجه تخلف از تراضی و امتناع اجرای متعهد ناشی از آن است.

۲. به عنوان قاعده باید گفت وجود خیار برای فروشنده، مانع انتقال توسط خریدار نیست و این موضوع در ماده ۳۶۳ قانون مدنی آمده است: «در عقد بیع وجود خیار فسخ برای متبایعین با وجود اجلی... مانع انتقال نمی‌شود»، اما در مورد اینکه آیا تمامی انتقالات بدون توجه به مبنای آن درست است یا خیر، باید قائل به تفصیل شد؛ با این توضیح که در خیار شرط، خریدار حق انتقال عین به غیر را به صورت مطلق ندارد، زیرا مالکیت خریدار بر مبیع کاملاً استقرار پیدا نکرده و متزلزل است و به بیان دیگر، رابطه فروشنده با مبیع به طور کامل قطع نشده است، پس در صورت انتقال، انتقال واقع شده، غیرنافذ خواهد بود و این بدان جهت است که در بیع شرط، ظاهر بر این است که فروشنده با فسخ معامله قصد دارد عین مبیع را مسترد نماید اما در مواردی که عقد بیع منعقد و متعاقدين شرطی را مورد لحوق توافق قرار می‌دهند، وضع متفاوت است. الف) خریدار مورد معامله را با اطلاع فروشنده اول به دیگری منتقل می‌نماید. اینجا معامله صحیح بوده و موجبی برای ابطال معامله نیست و فروشنده اول نمی‌تواند ابطال معامله را خواستار شود. ب) مشتری به طور مطلق عین معامله را به غیر انتقال می‌دهد که چنین معامله‌ای به جهت تجاوز به حق بایع، غیرنافذ خواهد بود. بدیهی است اگر بایع از حق فسخ خود در مهلت مقرر استفاده نکند، معامله صحیح خواهد بود، اما اگر فروشنده عقد را فسخ کند، صحت عمل مشتری منوط به اجازه بایع است که در اینگونه موارد، عقد واقع شده دوم محکوم به ابطال است.

مطرح کرده و توضیح داده است که به موجب فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ ساختمان ... را به خواننده ردیف اول با این شرط به فروش رسانیده که چنانچه وجه هر یک از چک‌ها از سوی خریدار کارسازی نگردد، بدون مراجعه به مراجع قضایی معامله فسخ و خریدار ملک را تحویل فروشنده (خواهان) نماید. به جهت تخلف از قرارداد با طرح دعوی جداگانه، به موجب دادنامه شماره ۰۸۹۳ - ۹۴/۸/۲۰ شعبه پنجم دادگاه عمومی ساری حکم به فسخ معامله صادر شده و این حکم در شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به موجب دادنامه شماره ۱۵۳۴ - ۹۴/۱۱/۱۷ مورد تأیید قرار گرفته است. خوانندگان ردیف اول و سوم با ابلاغ وقت در جلسه حاضر نشده و لایحه‌ای ارسال نکرده و دفاعی به عمل نیاورده‌اند. خواننده ردیف دوم به همراه وکیل در جلسه حاضر شده و در دفاع موضوع را از موارد تلف حکمی دانسته و بیان داشته چون خواهان، خریدار اولیه را از انتقال منع نکرده است، حالیه متصرف، منتقل‌إلیه قانونی است و خواهان تنها مستحق دریافت مثل یا قیمت بنا از خریدار بدون واسطه است. دادگاه پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

«... نظر به جهت ۱. تأیید فسخ مبیعه‌نامه اولیه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ خواهان با خواننده ردیف اول به موجب دادنامه شماره ۰۸۹۳ - ۹۴۰۹۹۷۱۵۱۰۵۰۰۸۹۳ شعبه پنجم حقوقی و تأیید آن برابر دادنامه شماره ۱۵۳۴ - ۹۴۰۹۹۷۱۵۱۶۹۰۰۸۹۳ شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران. ۲. منشأ بیع‌نامه‌های موضوع خواسته ابطال [یعنی بیع‌نامه‌های] مورخ ۱۳۹۴/۴/۵ و ۱۳۹۴/۷/۱۱ همان تأیید فسخ بیع‌نامه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ می‌باشد [و به آنها] نیز تسری خواهد داشت. ۳. با توجه به بند ۴ ماده ۵ قرارداد اولیه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ خواهان با خواننده ردیف اول که تصریح شده در صورت پاس نشدن هر یک از چک‌ها از سوی خریدار، فروشنده می‌تواند معامله را فسخ کند و خریدار نیز موظف خواهد بود که ملک را به فروشنده تحویل نماید، لذا به نحو ضمنی استنباط می‌گردد مالکیت خواننده ردیف اول با تأمین وجه چک‌ها مستقر [می‌شود] و به جهت تخلف از شرط، اقدام خواننده ردیف اول و سپس دوم و سوم باطل تلقی [می‌گردد]. لذا دفاع وکیل خواننده ردیف دوم را مؤثر در مقام ندانسته و به استناد مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۴، ۴۵۴ و ۴۵۵ از قانون مدنی و ۱۹۸ و ۵۱۹ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان بیع ... [منعقد] بین خوانندگان به موجب بیع‌نامه [های] عادی مورخ ۱۳۹۴/۴/۵ و ۱۳۹۴/۷/۱۱ ... صادر می‌نماید.»

با تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۱۵۱۶۹۰۰۰۴۳ - ۱۳۹۹/۱/۲۰، چنین رأی داده است:

«... تجدیدنظرخواهی ... قابل پذیرش نیست؛ زیرا دادنامه معترض عنه از حیث مبانی استدلال و استنباط مطابق با قانون اصدار یافته و خالی از ایراد و منقصت قانونی بوده و از نظر رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خدشه‌ای بر آن وارد نیست و تجدیدنظرخواه دلیل و بینه‌ای که موجبات نقض آن را فراهم نماید، ارائه ننموده؛ خصوصاً اینکه پس از صدور حکم بطلان مبیعه‌نامه ۱۳۹۴/۳/۲ فی مابین آقایان علی... و ابوالفضل... معاملات متعاقبه آن یعنی معاملات مورخ ۱۳۹۴/۴/۵ و ۱۳۹۴/۷/۱۱ باطل می‌شود، زیرا با فسخ بیع اول که به موجب دادنامه ۰۸۹۳ - ۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ که طی دادنامه شماره ۱۵۳۴ - ۹۴/۱۱/۱۷ شعبه شانزدهم تأیید شده صورت گرفته، هر یک از ثمن و مئمن باید به متعاقدين اعاده گردد و در صورتی که انتقالات بعدی باطل نشود امکان اعاده به وضع سابق منتفی می‌شود، لذا به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده، دادنامه مورد اعتراض را تأیید می‌نماید.»

(ب) به حکایت دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۱۵۲۵۴۰۰۹۴۷ - ۹۸۰۹۹۷۱۵۲۵۴۰۰۹۴۷ شعبه چهاردهم دادگاه عمومی حقوقی ساری، در خصوص واخواهی آقای صابر... به طرفیت آقای علی ... نسبت به دادنامه ۹۷۰۹۹۷۱۵۲۵۴۰۰۹۴۷ - ۹۷۰۹۹۷۱۵۲۵۴۰۰۹۴۷ صادره از همین شعبه که متضمن صدور حکم به ابطال فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۴/۶ و خلع ید واخواه و متفرعات می‌باشد، دادگاه پس از رسیدگی، چنین رأی داده است:

«نظر به اینکه قراردادهای و عقود که متعاملین منعقد می‌نمایند بر اساس اصل حاکمیت اراده در صورتی که مخالف قانون امری، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد مادامی که با تراضی طرفین اقاله و تفاسخ یا به علت قانونی فسخ یا انفساخ [نشود یا حکم] ابطال و بطلان آن صادر نگردد، مفاد و محتویات آن وفق اصل تسبیب قراردادهای فی مابین طرفین و قائم مقام آنها لازم‌الرعایه و طرفین مکلف به ایفاء تعهدات قراردادی خود می‌باشند و آثار عقد نیز جریان داشته و ادامه می‌یابد. ضمناً اثر فسخ نسبت به آتیه است و اثر قهقهری نداشتن و عطف به ماسبق نمی‌گردد، لذا دادگاه با احراز وقوع عقد بیع فی مابین واخوانده و آقای ابوالفضل ... به موجب فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ و احراز وقوع عقد بیع فی مابین واخواه و ابوالفضل ... به موجب فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۴/۶ که مصون از انکار و تکذیب باقی ماند و خدشه‌ای بر صحت و اصالت آنها وارد نگردد و اعلام فسخ واخواه نسبت به معامله با آقای ابوالفضل ... به موجب اظهارنامه مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۸ و احراز تأیید فسخ فروشنده مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ به موجب دادنامه شماره ۰۸۹۳ - ۱۳۹۴/۸/۲۰ صادره از شعبه پنجم دادگاه حقوقی ساری و تأیید دادنامه مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۵۳۴ - ۹۴/۱۱/۱۷ صادره از شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر مازندران، نظر به اینکه وجود خیار فسخ برای متبایعین مانع انتقال نمی‌شود در عقد بیع تا زمانی که

نظر به اینکه به موجب دادنامه شماره ۶۳۵ - ۱۳۹۰/۴/۱۱ در پرونده کلاسه ۲۶۲۶/۸۹/۲۵ صادره از شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری دفتر امور مناطق بازسازی شده جنگ تحمیلی مکلف به پرداخت حق بیمه خواهان به تامین اجتماعی کرمانشاه گردیده و به دلالت نامه شماره ۵۰۲۰/۹۲/۳۰۵ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ حق بیمه خواهان از تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱ تا ۱۳۶۲/۱۲/۲۷ به مبلغ پنجاه و هفت میلیون و هفتصد و شصت هزار و هشتصد و چهل و شش ریال به دفتر امور مناطق بازسازی شده جنگ تحمیلی به عنوان کارفرما ابلاغ گردیده است و خواهان در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲ یعنی ۳ ماه بعد از ابلاغ بدهی به کارفرما اقدام به واریزی حق بیمه به مبلغ ۵۷/۷۶۰/۸۴۶ ریال که دقیقاً مبلغ مورد محاسبه خوانده دوم بوده نموده است و این در حالی است که خواهان در صورت استتکاف دفتر امور مناطق بازسازی شده به عنوان خوانده می توانست از طریق اجرای احکام دیوان خوانده موصوف را ملزم به اجرای دادنامه نماید و از طرفی خوانده دوم با دریافت مبلغ برآوردی به عنوان بدهی خوانده اول آن را جزء سابقه بیمه پردازی خواهان لحاظ نموده است. لذا با عنایت به مراتب و تصریح خواهان در متن دادخواست به «اینجانب به علت نداشتن بودجه دفتر مناطق بازسازی شده جنگ تحمیلی شخصاً به پرداخت حق بیمه ایام اشتغال اقدام نمودم». دلالت بر توافق و هماهنگی مشارالیه با خوانده ردیف اول در پرداخت حق بیمه دارد. بنابراین الزام خواندگان به استرداد وجوه پرداختی شاکه توجیه قانونی ندارد لذا خواسته غیرموجه تشخیص و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۹/۹ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۳۰۰۱ با استناد رأی مذکور انقض می کند: نظر به اینکه مقنن در ماده ۳۹ قانون تامین اجتماعی کارفرما را مکلف به پرداخت حق بیمه نموده و حق بیمه سهم کارفرما و بیمه شده در ماده ۲۸ قانون مذکور تعیین شده است و در صورتی که کارفرما از پرداخت حق بیمه سهم خود استتکاف نماید بر اساس مواد ۴۹ و ۵۰ قانون تامین اجتماعی مطالبات بابت حق بیمه سهم کارفرما در عداد طلبات ممتاز سازمان تامین اجتماعی و مستند به اسناد لازم الاجرا می باشد و با صدور اجرائیه قابل وصول است و لزومی به ایجاد تکلیف برای بیمه شده از جهت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما نمی باشد. ثانیاً: به موجب ماده ۳۶ قانون تامین اجتماعی کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را به آن افزوده و به سازمان تأدیه نماید و بیمه شده تعهد و مسئولیتی در قبال پرداخت حق بیمه سهم کارفرما ندارد و خودداری کارفرما از پرداخت حق بیمه نیز رافع مسئولیت و تعهدات سازمان تامین اجتماعی در قبال بیمه شده نبوده و این سازمان برابر ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی مکلف به وصول حق بیمه از کارفرما و احتساب آن در سابقه بیمه پردازی بیمه شده است. ثالثاً: موضوع پرداخت حق بیمه از ناحیه کارفرما که در مقررات قانون تامین اجتماعی از ناحیه قانونگذار مورد تاکید و تصریح قرار گرفته مربوط به نظم عمومی و با اتکاء به قواعد آمره تعیین شده و از امور حاکمیتی است و هرگونه توافقی در جهت کاهش یا افزایش میزان سهم بیمه شده کارفرما، دولت که در ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی مورد تصریح واقع شده به لحاظ مخالفت با قانون طبق ماده ۱۰ قانون مدنی در خور بطلان است. لذا بنا به جهات فوق تقاضای تجدیدنظر خواهی موجه تشخیص و ضمن نقض رأی معترض عنه حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۲۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۵۰۱۶۶ با موضوع دادخواست آقای قربانعلی مصطفایی به طرفیت سازمان تامین اجتماعی و به خواسته استرداد حق بیمه به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۳/۱۰ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۱۰۹۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به اینکه برابر رأی صادره از سوی دیوان عدالت اداری مدیون واقعی بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی بوده و اداره مزبور مکلف به پرداخت حق بیمه شاکه بوده است و شاکه الزامی در پرداخت دین مزبور نداشته است بنابراین در وضعیت موجود که شخصاً و بدون الزام سازمان تامین اجتماعی اقدام به واریز حق بیمه مزبور از جانب بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی نموده و این اقدام سبب برقراری مستمری وی شده است استرداد آن وجهات قانونی ندارد و در فرض واریز با اذن بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی حق مراجعه به اداره اخیرالذکر را دارد لذا در اجرای ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شکایت به عمل آمده را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر می شود. این رأی ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر می باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۶/۱۰/۹ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۳۵۸۵ شعبه ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

۳. تصرفات خریدار در جایی که خیار بایع ناشی از توافق طرفین باشد (شرط مندرج در قرارداد اولیه با همان خیار تخلف از شرط) چون بنا بر استرداد عین در صورت وقوع تخلف است، تصرف مشتری، تصرفی متزلزل است و فسخ بایع می تواند به صحت عقد واقع شده توسط خریدار خلل وارد آورد، ولی تصرفات خریدار در جایی که خیار بایع ناشی از حکم قانونی باشد، تصرفی نافذ شمرده می شود و مورد معامله در حکم تلف محسوب می شود و فروشنده باید بدل را مطالبه نماید، اما در ما نحن فیه، آنچه مبنای فسخ بوده، شرط مورد تراضی در ضمن قرارداد بوده است که خریدار با عدم پاس نمودن چک مرتکب تخلف از قرارداد شده و قرارداد منتهی به فسخ شده و لزوماً می بایست عوضین مسترد شود و چون خریدار اول با علم به وجود شرط در قرارداد، اقدام به معامله نموده، معامله دوم وی با خریدار دوم با عدم تنفیذ فروشنده، غیرنافذ و نتیجه عدم نفوذ، بطلان قرارداد است؛ لذا با عنایت به مراتب مارالذکر و توجه به نظریه حضرت آیت الله خوئی(ره) مبنی بر اینکه در خصوص مورد، خریدار حق انتقال عین را به طور مطلق ندارد، چون مالکیت وی بر مبیع کاملاً مستقر نشده و متزلزل است و با توجه به نظریه صاحب مکاسب مبنی بر اینکه غرض بایع از جعل خیار شرط، استرداد عین مال خویش است و استرداد عین مال، محقق نخواهد شد، مگر اینکه مشتری ملتزم به حفاظت از مال برای بایع باشد و با در نظر گرفتن اینکه حق بایع تا زمان محقق نشدن مقتضای شرط فسخ و یا احراز اعمال یا اسقاط حق، باقی است و چون عین موجود است، تحت هیچ عنوان تلف حکمی محسوب نمی شود، لذا در نتیجه، رأی صادره از شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

ج) رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ - ۱۴۰۰/۳/۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از مواد ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵، و ۴۵۴ قانون مدنی، چنانچه در ضمن عقد بیع، شرط شود در صورت عدم پرداخت اقساط ثمن در مواعد تعیین شده، فروشنده حق فسخ و استرداد مبیع را دارد، با تحقق شرط و اعمال حق فسخ ولو اینکه خریدار بدون در نظر گرفتن حق فسخ، مبیع را به شخص دیگری فروخته باشد، مبیع باید به بایع مسترد شود و عدم اطلاع خریدار بعدی از شرط مذکور با توجه به درج آن در متن قرارداد، به اقتضای رفتار متعارف اشخاص و حق تقدم مالک، موجب بی اثر شدن شرط و زوال حق مالک اولیه نسبت به عین مال نخواهد بود. بنا به مراتب، رأی شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۹۸۰۳۷۵۳

۱۳۹۹/۱۱/۱۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۹ با موضوع: «باتوجه به اینکه کارگران حق بیمه خودشان را از جانب کارفرما به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده اند و سازمان مذکور براساس حق بیمه پرداختی نسبت به ایجاد سابقه بیمه ای و انجام تعهدات قانونی اقدام کرده است، بنابراین استرداد آن از سازمان تامین اجتماعی مبنای قانونی نداشته و کارگران می توانند در حدود قوانین و مقررات حق بیمه پرداختی به سازمان مذکور را از کارفرما مطالبه کنند بنابراین حکم به رد صحیح می باشد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۰/۹ شماره دادنامه: ۱۲۸۸ شماره پرونده: ۹۸۰۳۷۵۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: آقای قربانعلی مصطفایی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست شاکیان به خواسته استرداد حق بیمه پرداخت شده به تامین اجتماعی توسط بیمه شده، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارضی را صادر کرده اند. گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳۶ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۰۹۱۲ با موضوع دادخواست آقای افشار رحیمی به طرفیت ۱- دفتر مناطق بازسازی شده جنگ تحمیلی ۲- اداره کل تامین اجتماعی استان کرمانشاه و به خواسته الزام طرف شکایت به استرداد مبلغ واریزی بیمه به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۵/۱۷ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۳۶۰۰۸۹۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

رأی هیأت عمومی

الف - با عنایت به اینکه برخی از شعب نسبت به امکان استرداد حق بیمه پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی توسط بیمه شده به جهت تسریع در احتساب سوابق خدمتی در موارد استنکاف کارفرما از پرداخت آن برداشت های متفاوتی از قوانین و مقررات داشته اند به نحوی که برخی شعب پرداخت حق بیمه از ناحیه کارفرما را جزء قواعد آمره و غیرقابل توافق دانسته و حکم به ورود شکایت صادر کرده اند و برخی شعب دیگر نیز مستدل به اینکه پرداخت حق بیمه بدون هیچ الزامی صورت گرفته و استرداد آن بلاوجه است، حکم به رد شکایت صادر کرده اند، تعارض در آرای صادره محرز است.

ب - مطابق ماده ۱۴۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، کارفرمایان کارگاه های مشمول قانون کار مکلف شده اند براساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام کنند و حق بیمه کارگران را نیز بر اساس ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کنند. با توجه به اینکه در پرونده های موضوع تعارض کارفرما به این تکلیف عمل نکرده و کارگران، حق بیمه یاد شده را، خود از جانب کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده اند و سازمان مذکور براساس حق بیمه پرداختی نسبت به ایجاد سابقه بیمه ای و انجام تعهدات قانونی اقدام کرده است، بنابراین استرداد آن از سازمان تأمین اجتماعی مبنای قانونی نداشته و کارگران می توانند در حدود قوانین و مقررات حق بیمه پرداختی به سازمان مذکور را از کارفرما مطالبه کنند. مفاد رأی شماره ۱۸۲۲-۱۳۹۷/۹/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که موضوع را از مصادیق اختلاف مابین کارگر و کارفرما تلقی کرده و حکم به صلاحیت هیأت های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ داده است مؤید همین استدلال است، بنابراین رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۱۰۹۸ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ شعبه ۲۵ بدوی که به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۳۵۸۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۹ شعبه ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده، صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازمالاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۹۰۰۸۹۷

۱۴۰۰/۱/۲۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با موضوع: «صدور رأی وحدت رویه در مورد دادخواست اشخاص حقیقی که مدیر شخص حقوقی هستند و به اعتبار شخص حقیقی خود دادخواست به خواسته ابطال رأی محکومیت شخص حقوقی تقدیم می کنند» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ شماره دادنامه: ۲۰۰۰ شماره پرونده: ۹۹۰۰۸۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: آقای ایرج عزیزی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: از آنجا که در رسیدگی به دادخواست اشخاص حقیقی که مدیر شخص حقوقی هستند و به اعتبار شخص حقیقی خود دادخواست به خواسته ابطال رأی محکومیت شخص حقوقی تقدیم کرده اند، شعب دیوان عدالت اداری در این خصوص برداشت های متفاوتی داشته و آراء متفاوتی صادر کرده اند. رئیس دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری موضوع را برای رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع کرده است.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۹ بدوی دیوان عدالت اداری با موضوع دادخواست آقای غلامرضا زارع و خانم جمیله قاسمی به طرفیت اداره کل تعزیرات حکومتی استان فارس و به خواسته دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی و اعتراض به دادنامه های شماره ۳۱۰-۱۳۹۷/۱۱/۲۸ و ۳۳۲-۱۳۹۷/۱۲/۱۱ صادره از شعبه ۲ تجدیدنظر تعزیرات حکومتی استان فارس به موجب دادنامه های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۳ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۲-۱۳۹۸/۳/۲۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

اولاً: رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری منحصرماً از حیث نقض قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها در دیوان قابلیت استماع دارد. ثانیاً: به موجب اسناد و مدارک و مستندات موجود علی الخصوص فرم درخواست پیش فروش خودرو متعلق به شرکت رامک خودرو موضوع حاکی از آن است قرارداد بین شرکت رامک خودرو به عنوان فروشنده و شخص خریدار منعقد گردیده و متعاقب شکایت خریدار علیه شرکت مبنی بر عدم ایفای تعهدات قراردادی شرکت از سوی شعب تعزیرات حکومتی محکوم گردیده که با صرف نظر از صلاحیت قانونی یا عدم آن و ماهیت موضوع چون محکوم علیه شرکت رامک خود می باشد نه شکات صدرالذکر و از طرف شکایت نیز شکایتی نسبت به رأی تعزیرات حکومتی صورت نگرفته است به جهت اینکه شکات در شکایت مطروحه ذی نفع نبوده و فاقد اهلیت و سمت قانونی هستند به استناد بندهای (الف) و (ب) ماده ۵۳ قانون صدرالذکر قرار رد شکایت صادر و اعلام میگردد. رأی صادره طبق ماده ۶۵ قانون مذکور ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۳-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۲-۱۳۹۸/۳/۲۶ به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۳/۲۶ در شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۲-۱۳۹۸/۳/۲۶ شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۴۰۱۳۷۸-۱۳۹۸/۸/۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است: در خصوص دعوی تجدیدنظرخواهی آقای غلامرضا زارع و خانم جمیله فارسی با وکالت آقایان محمد لطفی کراوه و رحمت اله شگری زاده به طرفیت اداره کل تعزیرات حکومتی استان فارس نسبت به دادنامه شماره ۱۰۴۲-۱۳۹۷/۳/۲۶ موضوع پرونده با عنایت به مفاد آرای صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر تعزیرات نظر به اینکه موضوع محکومیت، محکومیت اشخاص حقیقی (تجدیدنظرخواهانها) می باشد نه شخص حقوقی، لذا صرف نظر از صحت و سقم آرای صادره از تعزیرات ذی نفع و سیمت بودن تجدیدنظرخواهانها محرز است لذا به استناد مواد ۶۵ و ۷۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری دادنامه تجدیدنظر خواسته نقض و پرونده جهت رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار اعاده می گردد. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: به موجب ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲: «شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می کنند که شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون درخواست کرده باشد.» و بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به اعتراضات و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی از آراء و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری موضوع این بند منحصرماً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری قرار دارد. بنابه مراتب فوق، در فرض محکومیت اشخاص حقوقی در مراجع اختصاصی اداری و صرف نظر از مواردی که در آراء و تصمیمات قطعی مراجع اختصاصی اداری محکومیتی به صورت مستقل یا تضامنی برای اشخاص حقیقی تعیین شده باشد، اشخاص حقوقی صرفاً در قالب شخصیت حقوقی خود حق طرح شکایت و اعتراض نسبت به آرای صادره مبنی بر محکومیت خود را دارند و با عنایت به اینکه در پرونده های موضوع تعارض صرفاً اشخاص حقوقی محکوم علیه آرای مراجع اختصاصی اداری قرار گرفته اند و ذینفع بودن اشخاص حقیقی مرتبط اثبات نشده است، لذا قرار رد شکایت صادره به استناد بند «ب» ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که در قالب دادنامه شماره ۱۳۹۸/۳/۲۶-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۳ از شعبه پنجم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صادر شده و دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۷۰۱۰۴۳-۱۳۹۸/۳/۲۶ صادره از شعبه نهم دیوان عدالت اداری را تأیید کرده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازمالاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی

شماره ۹۸۰۰۲۹۲

۱۴۰۰/۱/۲۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با موضوع: «ابطال تعرفه شماره ۱۴-۲ عوارض محلی سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر تاکستان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ شماره دادنامه: ۲۰۰۱ شماره پرونده: ۹۸۰۰۲۹۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای کامران طاهرخانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۱۴-۲ عوارض محلی سال ۱۳۹۷

شورای اسلامی شهر تاکستان

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۱۴-۲ عوارض محلی

سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر تاکستان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

۱- به موجب بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها در صورتی که بر خلاف مندرجات پروانه ساختمانی محل کسب و پیشه دایر گردد شهرداری موضوع را در کمیسیون ماده ۱۰۰ طرح و کمیسیون بعد از آن که تشخیص شهرداری را به حق دانست و تخلف مالک محرز شد موظف است با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز کند در مورد تعطیلی محل اقدام نماید و مطلب مهمتر این که صلاحیت ذاتی هر نوع تغییر کاربری نیز از کمیسیون ماده ۱۰۰ نیز خارج است و شهرداری و شورای شهر نمی‌تواند برای تغییر کاربری مالکین عوارض اخذ نمایند. بنابراین بند (۲-۱۴) تعرفه عوارض و خدمات شهری (محلی) مصوب بهمن سال ۱۳۹۶ بر خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده است و ابطال آن تقاضا می‌شود.

۲- بر اساس ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری مصوب ۱۳۵۱ بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به عهده کمیسیون خاص نهاده شده است و از طرفی وظایف شورای اسلامی شهر در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تعیین شده است. نظر به این که تغییر کاربری از جمله اختیارات و وظایف قانونی شورای اسلامی نمی‌باشد.

۳- طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ دریافت هرگونه وجه کالا و خدمات تحت هرگونه عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای غیردولتی غیراز مواردی که در مقررات قانونی مربوطه معین شده یا می‌شود ممنوع است بر خلاف اصل تسلیط و اعتبار مالکیت مشروع و قانونی اشخاص است و خارج از حدود اختیارات شورا می‌باشد و همچنین بر خلاف اصل ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۱ قانون مدنی است و ارتباطی به قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز ندارد.

۴- همانطور که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعدد در موارد مشابه اقدام به ابطال مصوبات شورای شهر در مورد اخذ عوارض بهره‌برداری در کاربری غیرمرتبط نموده است از جمله آراء به شماره‌های ۷۱۷-۱۳۹۹/۱۰/۱۱، ۱۵۲۹-۱۳۹۳/۹/۲۴، ۲۴۲-۱۳۹۵/۴/۱ و ۱۴۰۰-۱۳۹۷/۶/۱۳ می‌باشد. لذا به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه فوق را دارم.

متن تعرفه مورد شکایت به شرح زیر است:

تعرفه شماره (۱۴-۲) - عوارض تبدیل غیرمجاز ملک					
ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۶	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۷	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض ۹۸	توضیحات
	عوارض تبدیل غیرمجاز ملک داخل محدوده خدماتی شهر	۷۰	۷۷	۸۴	این عوارض در صورت صدور رأی کمیسیون ماده صد مبنی بر ابقا قابل دریافت است.
	عوارض تبدیل غیرمجاز ملک داخل حریم شهر	۱۵	۱۶	۱۸	
متراژ عرصه یا اعیان $K \times P$					

در پاسخ به شکایت مذکور، شهردار تاکستان به موجب لایحه شماره ۹۸۰۲/۱۴/۱۵۹۴ - ۱۳۹۸/۴/۱۱ توضیح داده است که: "خواهان ابتدا در مقدمه دادخواست خود اظهار نموده‌اند که کمیسیون ماده ۷۷ وفق تعرفه‌های عوارض بهای خدمات شهرداری تاکستان، به عنوان عوارض تغییر کاربری و استفاده غیرمرتبط مبلغ ۲۶۶/۸۴۸/۱۲۰ ریال وی را محکوم نموده است.

الف - همانگونه که مستحضرید مرجع رفع هرگونه اختلاف بین شهرداری و مؤدی در مورد عوارض، کمیسیون ماده ۷۷ است و تصمیم کمیسیون مزبور قطعی است، بنابراین در حال حاضر مبلغ مذکور قابل وصول است.

ب - با توجه به توضیح (الف) استناد به ماده ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۱ قانون مدنی منطقی و قانونی نیست. چرا که شهرداری وفق مقررات، خواهان اخذ عوارض قانونی خود است (حداقل اینکه فعلاً بند (۱۴-۲) از سوی هیأت عمومی دیوان ابطال نگردیده).

ت - نامبرده با ظرفیتی خاص می‌خواهد عوارض بند (۱۴-۲) (تعرفه عوارض بهره‌برداری) به جای همان عوارض تغییر کاربری محسوب شود.

ج - شورای شهر می‌تواند در موارد خاص با پیشنهاد شهرداری حداقل تعرفه مبنای محاسبه عوارض را تعیین نماید.

شورای شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب که با درخواست متقاضیان مطابقت داشته باشد بپردازد تا شهرداری بتواند بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی که مورد نیاز شهر می‌باشد را طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران تأمین نماید. بنابراین وضع و تصویب تعرفه عوارض بهره‌برداری می‌تواند از وظایف شورای شهر باشد. خواهان در بند ۱ دادخواست اشاره به بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها نموده‌اند که النهایه اگر تخلف مالک محرز شد شهرداری می‌تواند در مورد تعطیلی محل اقدام نماید. نکته قابل عرض اینکه مالک ارتکاب به تخلف را پذیرفته‌اند، و در محل موصوف کسب و پیشه دایر کرده‌اند، و تکرار مدام عوارض تغییر کاربری از سوی مشارالیه بیانگر عدم شرایط ایجاد کاربری تجاری و کسب و پیشه در آن محل است، و با توجه به اینکه ملک وی کاربری تجاری ندارد، و فقط قابلیت دارا بودن تجاری را در طرح پیش‌بینی کرده‌اند، بنابراین ایجاد واحد تجاری کسب و پیشه‌ای که وی دایر کرده مخالف قانون بوده و شهرداری با استناد بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها می‌تواند نسبت به تعطیلی محل مورد نظر اقدام نماید و مطلب مهمتر اینکه چرا از بند ۲۴ ماده ۵۵ با توضیحی که داده‌اند نتیجه گرفته‌اند صلاحیت ذاتی هر نوع تغییر کاربری از کمیسیون ماده ۱۰۰ خارج و شهرداری و شورای شهر نمی‌تواند عوارض تغییر کاربری اخذ کنند و سپس خواهان ابطال بند (۱۴-۲) شده‌اند. در بند ۱ دادخواست خواهان هیچگونه رابطه منطقی بین قسمت اول و دوم وجود ندارد چه رسد به درخواست ابطال بند (۱۴-۲) تعرفه عوارض بهره‌برداری که عنوان کرده‌اند. حال سوال از خواهان این است، در ملکی که کاربری مسکونی دارد واحد تجاری احداث کرده‌اید و محل کسب و پیشه‌ایجاد کرده‌اید و مشغول بهره‌برداری از آن هستید، چرا نسبت به عوارض بهره‌برداری اعتراض دارید؟ و سعی دارید که آن را تغییر کاربری معرفی کنید؟ با توجه به توضیحات ذکر شده و همانگونه که مستحضرید برابر ماده ۷۱ مجموعه قوانین و مقررات شورای اسلامی کشور بندهای (۹-۱۶ و ۲۶) شورای شهر می‌تواند به تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن بپردازد. بنابراین تصویب عوارض بهره‌برداری بر خلاف اصل تسلیط و اعتبار مالکیت مشروع اشخاص نیست. علیهذا با عنایت به توضیحات معنونه رد دادخواست شاکی مورد استدعاست.

در خصوص ادعای مغایرت مقرره مورد شکایت با شرع، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۹/۱۰۲/۱۹۴۷۸ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۷ اعلام کرده است که: "در صورتی که شورای اسلامی شهر تاکستان از لحاظ قانونی حق جعل چنین عوارضی را داشته باشد، مصوبه خلاف موازین شرع شناخته نشد. تشخیص صلاحیت قانونی وضع مصوبه بر عهده دیوان عدالت اداری است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بر عهده کمیسیون مطرح در این ماده است ولی نظر به اینکه از مصوبه مورد اعتراض مستفاد می‌شود که با اخذ عوارض تبدیل غیرمجاز ملک نتیجتاً تغییر کاربری ملک حاصل می‌شود و تغییر کاربری در صلاحیت کمیسیون ماده ۵ قانون یاد شده است و از طرفی در تبصره بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها مقرر شده است در صورتی که بر خلاف مندرجات پروانه ساختمانی در

و شهرک‌های فناوری با همگنانشان در دیگر نقاط کشور است، لذا با عنایت به این موارد و با توجه به بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر «اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی» از آن مقام عالی درخواست حذف و ابطال این دو عبارت «و نیز کارکنان شاغل در واحدهای یاد شده» از سطر دوم ماده ۲۱ مصوبه و «و کارکنان شاغل در واحدهای مزبور» از سطر چهارم این ماده را دارم.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

ماده ۲- واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری و شهرک‌های فناوری نسبت به فعالیت‌های مذکور از تاریخ صدور مجوز توسط مدیریت پارک و نیز کارکنان شاغل در واحدهای یاد شده از معافیت موضوع ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب سال ۱۳۷۳ - و اصلاحات بعدی آن برخوردار خواهند بود. تشخیص فعالیت مرتبط با مأموریت واحدهای یاد شده و کارکنان شاغل در واحدهای مزبور برای اجرای ماده ۹ قانون با مدیریت پارک علم و فناوری می‌باشد. - معاون اول رئیس‌جمهور

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۴۲۰۵۴/۳۰۱۴۴ - ۱۳۹۹/۳/۲۵ که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ به همراه لایحه شماره ۴۲۰۵۴/۱۵۳۲۷۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ به دفتر هیأت عمومی تحویل شده و به ثبت رسیده توضیح داده است که:

«در دفاع از مصوبه مورد شکایت باید گفت: نظر به اینکه در ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی صراحتاً «اشخاص حقوقی و حقیقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند» مورد حکم قرار گرفته است، در نتیجه اطلاق آن شامل اشخاص شاغل در فعالیت اقتصادی از طریق قرارداد نیز می‌شود. با لحاظ اینکه معافیت ماده ۱۳ قانون مزبور برای واحدهای پژوهشی و فناوری در پارک‌های فناوری و شهرک‌های فناوری به تصریح ماده ۹ قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش بنیان تسری داده شده در نتیجه افراد شاغل که در قالب قرارداد در واحدهای یاد شده اشتغال دارند نیز مشمول معافیت قرار دارند. جهت مزید اطلاع تصویر بخشنامه شماره ۲۰۰۹/۱۱۳/ص - ۱۳۹۲/۵/۲۰ سازمان امور مالیاتی نیز ناظر بر معافیت کارکنان شاغل در واحدهای پژوهشی و فناوری در پارک‌ها و شهرک‌های فناوری ایفاد می‌گردد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هر چند بر مبنای ماده ۹ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب سال ۱۳۸۹، واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری از مزایای قانونی مناطق آزاد در خصوص روابط کار، معافیت‌های مالیاتی و عوارض سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات مالی بین‌المللی برخوردار هستند و براساس ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران: «اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت بیست سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم معاف خواهند بود ...»، ولی نظر به اینکه معافیت مقرر در این ماده ناظر بر کسانی است که متصدی انجام فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی هستند و منصرف از حقوق بگیرانی است که تحت نظر صاحبان مشاغل و واحدهای دیگر به انجام اموری اشتغال دارند، این استدلال در دادنامه‌های شماره ۳۴۴ - ۱۳۹۹/۲/۳۰ و ۱۱۶۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز انعکاس یافته است، بنابراین عبارات مورد شکایت از تصویب‌نامه شماره ۵۲۲۳۴/ت/۱۶۵۳۰۴ - ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ هیأت وزیران که بر اساس آنها حکم به تسری معافیت مالیاتی مقرر در ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر به درآمد حقوق کارکنان شاغل در واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری و شهرک‌های فناوری شده، مغایر با ماده ۱۳ قانون موصوف‌الذکر و آرای یاد شده هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه دائر شود شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره یک ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستأجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در مورد تعطیلی محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یک ماه اتخاذ تصمیم کند. با توجه به مراتب فوق، تعرفه شماره ۱۴ - ۲ عوارض محلی سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر تاکستان که بر خلاف ترتیب فوق، اخذ عوارض تبدیل غیرمجاز ملک در آن پیش‌بینی شده مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - احمد درزی رامندی

شماره ۹۸۰۳۶۴۵

۱۴۰۰/۱/۲۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ با موضوع: «ابطال ماده ۲ مصوبه شماره ۱۶۵۳۰۴/ت/۵۲۲۳۴ - هیأت وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ شماره دادنامه: ۲۰۰۴ شماره پرونده: ۹۸۰۳۶۴۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ مصوبه شماره ۱۶۵۳۰۴/ت/۵۲۲۳۴ -

هیأت وزیران ۱۳۹۴/۱۲/۱۶

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال دو عبارت از ماده ۲ مصوبه شماره ۱۶۵۳۰۴/ت/۵۲۲۳۴ - هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام: به استحضار می‌رساند وفق ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و اصلاحیه آن «اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت بیست سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم معاف خواهند بود.» با عنایت به عبارات «فعالیت اقتصادی» و «از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز» و نیز متن ماده ۱۱ همین قانون مبنی بر اینکه «صدور مجوز برای انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مجاز، ایجاد بنا و تاسیسات و تصدی به انواع مشاغل توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در مورد مشاغلی که متصدی مستقیم ندارند در محدوده منطقه فقط در اختیار سازمان می‌باشد.» چنین بر می‌آید که مراد مقنن اعطای معافیت مالیاتی به سرمایه‌گذاران و کارآفرینانی است که در مناطق آزاد، باعث ایجاد اشتغال و افزایش تولید می‌شوند، نه کسانی که در قالب قرارداد استخدامی در خدمت افراد دیگری در این مناطق به کار اشتغال دارند. معهدا در سطر دوم و چهارم ماده ۲ مصوبه هیأت وزیران در خصوص اصلاح ماده ۲ مقررات اجرایی ماده ۹ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری و اختراعات، با آوردن دو عبارت «و نیز کارکنان شاغل در واحدهای یاد شده» و «و کارکنان شاغل در واحدهای مزبور» با این فرض که «معافیت موضوع ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب سال ۱۳۷۲ - و اصلاحات بعدی آن» اصولاً شامل حقوق بگیران شاغل در مناطق آزاد می‌شود، همین معافیت را به حقوق بگیران شاغل در «پارک‌های علم و فناوری و شهرک‌های فناوری» هم تسری داده که چون به شرحی که گذشت، چنین فرضی نادرست بوده، اصولاً معافیت مناطق آزاد شامل حقوق بگیران شاغل در آن مناطق نمی‌شود، لذا هم مغایر مواد ۱۱ و ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و هم ناقض اصول ۵۱ و ۱۳۸ قانون اساسی از جهت وضع معافیت مالیاتی که به موجب قانون نیست و نیز مخالفت با متن و روح قوانین، همچنین خلاف عدالت مالیاتی از حیث ایجاد تبعیض مالیاتی میان حقوق بگیران پارک‌های علم و فناوری

شماره ۱۲۸۲۹۳

جناب آقای دکتر اکبر پور

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

به پیوست ابلاغیه شماره ۱۲۰۷۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۹ موضوع مصوبات جلسه مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ هیأت امناء صندوق توسعه ملی ایفاد می‌شود. خواهشمند است در اجرای تبصره (۴) بند (پ) ماده (۱۶) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، ابلاغیه صدرالاشاره در آن روزنامه درج گردد.

رئیس امور اقتصاد مقاومتی و شورای اقتصاد - افشین برمکی

شماره ۱۲۰۷۱۶

جناب آقای دکتر شهیدزاده

رئیس محترم هیأت عامل صندوق توسعه ملی

جلسه هیأت امنای صندوق توسعه ملی در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و سایر اعضا تشکیل گردید. بدینوسیله مصوبات جلسه مزبور به شرح ذیل جهت اجرا، ابلاغ می‌گردد:

۱- نرخ سود آن دسته از تسهیلات پرداختی صندوق توسعه ملی به دولت که براساس مصوبات قبلی هیأت امنای صندوق توسعه ملی، صفر (۰) درصد تعیین شده است، به نرخ سود یک (۱) درصد اصلاح می‌شود. سایر مفاد مصوبات مزبور به قوت خود باقی است.

۲- براساس بند «الف» ماده (۳) قانون حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی، سقف تعهدات صندوق توسعه ملی برای تنفس خوراک، به تفکیک سال مالی و از سال ۱۴۰۳ تا سال ۱۴۰۹، مطابق جدول و شرایط زیر می‌باشد:

سال	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	۱۴۰۶	۱۴۰۷	۱۴۰۸	۱۴۰۹
سقف تعهد سالانه صندوق برای تنفس خوراک (هزار بشکه در روز)	۲۰۰	۲۵۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۲۴۰

• صندوق توسعه ملی در هر سال صرفاً به اندازه تنفس خوراک اعلامی در همان سال (جدول مصوب)، تسهیلات تنفس خوراک اعطا نماید.

• در صورت عدم ایفای به موقع بازپرداخت اقساط ارزی توسط طرح‌های به بهره‌برداری رسیده تحت قانون مزبور، صندوق توسعه ملی معادل ارزش روز اقساط ارزی سررسیدشده، میزان تعهدات تنفس خوراک اعطایی را کاهش دهد.

• در صورت کاهش منابع ورودی از سقف سهم قانونی سالانه صندوق یا در صورت عدم تحقق صادرات نفت خام و میعانات گازی کمتر از ۱۵۰۰ هزار بشکه در روز، صندوق به همان نسبت، تعهد تنفس خوراک اعطایی را کاهش دهد.

• در صورت افزایش صادرات نفت خام و میعانات گازی بیش از ۱۵۰۰ هزار بشکه در روز که در پایان هر سال مشخص می‌شود، صندوق توسعه ملی مکلف است با رعایت تبصره (۳) جزء «د» اساسنامه، به همان نسبت، تعهد تنفس خوراک اعطایی را افزایش دهد.

• مقررات ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ارزی به طرح‌های تنفس خوراک وفق جدول فوق، مطابق اساسنامه صندوق توسعه ملی و نظامنامه ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ارزی (مصوب هیأت امنای صندوق) می‌باشد.

• ابلاغ این مصوبه منوط به دریافت اذن مقام معظم رهبری است.

۳- بودجه سال ۱۴۰۰ ستاد صندوق توسعه ملی با لحاظ موارد ذیل مصوب شد:

• اعمال نرخ رشد ۲۵ درصدی برای ردیف‌های مربوط به هزینه‌های پرسنلی (شامل هزینه‌های قرارداد خدمات نیروی انسانی، هزینه مالیات حقوق و بیمه تکمیلی کارکنان) نسبت به رقم مصوب بودجه سال ۱۳۹۹،

• اعمال نرخ ۱۰ درصدی برای سایر ردیف‌های بودجه نسبت به رقم مصوب بودجه سال ۱۳۹۹،

• نرخ رشد ردیف‌های موضوع بند ۲ فوق، با پیشنهاد هیأت عامل صندوق توسعه ملی و تأیید سازمان برنامه و بودجه کشور می‌تواند تا سقف ۲۵ درصد افزایش یابد.

• معادل یک ماه حقوق و مزایا موضوع ماده (۴۸) آیین‌نامه مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی صندوق توسعه ملی، بابت پاداش عملکرد سالانه اعضای هیأت عامل و کارکنان صندوق مزبور مورد تأیید قرار گرفت.

• مبلغ یک میلیارد تومان به بودجه صندوق توسعه ملی اضافه می‌شود تا صرف هزینه‌های هیأت نظارت صندوق مزبور شود.

۴- پرداخت تسهیلات تکمیلی از محل منابع صندوق توسعه ملی در راستای اجرای قانون حمایت از ایجاد و توسعه اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی، به اشخاص حقیقی و حقوقی صرفاً در مورد طرح‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۹ تأمین مالی شده‌اند، متناسب با میزان پیشرفت پروژه حداکثر تا سقف ۴۰ درصد تسهیلات اولیه و تنها از طریق مؤسسه عامل اعطاکنده تسهیلات اولیه، به

شرط اطمینان از به بهره‌برداری رسیدن طرح ظرف مدت حداکثر یک سال و با رعایت دستورالعمل اجرایی پرداخت تسهیلات تکمیلی، مجاز می‌باشد.

۵- با درخواست وزارت جهاد کشاورزی مبنی بر افزودن عبارت «طرح‌ها و فعالیت‌های اصلاح، نوسازی، جایگزینی و احداث باغات به ویژه نخیلات و مرکبات» به اولویت‌های استفاده از منابع ریالی صندوق در بخش آب و کشاورزی موافقت شد.

۶- درخصوص بند (۲) تصمیمات جلسه ۲۱۰ ستاد هماهنگی اقتصادی دولت (ابلاغیه شماره ۱۵۵۵۴۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ معاون اقتصادی رئیس‌جمهور):

«هیأت عامل صندوق توسعه ملی مجاز است اصل و فرع اقساط سررسید شده که تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۰ وصول نشده، از محل تسهیلات اعطایی در قالب قراردادهای عاملیت ارزی را بنا به درخواست متقاضی و تأیید بانک عامل به مدت یک سال (در قالب انعقاد قرارداد جدید یا تقسیم مجدد یا تمدید قرارداد فعلی با متقاضی) امهال نماید. مدت مذکور به حداکثر طول دوره مالی طرح‌ها، علاوه بر کلیه تمهیدهای قبلی اضافه می‌شود.»

معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور - محمدباقر نوبخت

شماره ۳۳۱۳/۱/۴۴۰/۴۲۹

از: ستاد کل نیروهای مسلح

به: مدیر مسئول محترم روزنامه رسمی کشور

موضوع: تغییرات مفاد اساسنامه

شماره ۱۴۰۰/۲/۱۵

بدینوسیله یک نسخه از تغییرات بعمل آمده در اساسنامه موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که به تصویب مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» رسیده و طی نامه شماره ۱۰۴۹۴۷/۱۰۲۰/۱۴۰۰ ف ک مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۵ ابلاغ شده است، جهت درج در روزنامه رسمی کشور ارسال می‌گردد.

خواهشمند است مقرر فرمایید طبق قانون در جهت انتشار آن اقدام لازم معمول و نتیجه را به این ستاد اعلام نمایند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح - سرلشکر پاسدار محمدباقری

الف - ماده واحده: عنوان «موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» جایگزین عنوان «موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» می‌شود.

تبصره: عنوان «موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» در کلیه مواد این اساسنامه و سایر اسناد مرتبط به «موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» تغییر می‌یابد.

ب - اضافه نمودن ۲ بند و یک تبصره به ماده ۴

۴-۲۱- انجام کلیه وظایف حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان تهران تبصره: ساختار سازمانی، نیروی انسانی، تجهیزات و اعتبارات تخصیصی سالانه اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان تهران به موزه واگذار می‌گردد.

۴-۲۲- بازنمایی و نمایش مناسب تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های مردم و یگان‌های استان تهران در دفاع مقدس و مقاومت در موزه.

ج - اضافه نمودن یک تبصره به ماده ۸

تبصره ۲- دو نفر از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس و شخصیت‌های علمی، فرهنگی، هنری و حقیقی با پیشنهاد رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و با تصویب هیأت امناء به عنوان اعضای علی‌البدل هیأت مدیره موزه برای سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب آن‌ها برای دوره‌های بعدی بلامانع است.

د - اصلاح تبصره بند ۲-۹ ماده ۹

تبصره: پیشنهاد برنامه و بودجه سالانه موزه به هیأت امناء برعهده هیأت مدیره می‌باشد.

ه - اصلاح عنوان ماده ۱۳

ماده ۱۳) تأمین منابع مالی و نیروی انسانی

و - اصلاح بند ۱-۱۳ ماده ۱۳

۱-۱۳- تأمین بودجه و نیروی انسانی موردنیاز برای تکمیل، نگهداری و اداره موزه به عهده شهرداری تهران است و ضرورت دارد در برنامه و بودجه سالیانه و ساختار تشکیلاتی شهرداری تهران لحاظ گردد.

ز - اصلاح بند ۴-۱۳ ماده ۱۳

۴-۱۳- هدایا، کمک‌ها و موقوفات اشخاص حقیقی و حقوقی، غیردولتی، نهادها، مؤسسات عمومی و اعتبارات دولتی.

ح - اصلاح ماده ۱۶

ماده ۱۶) بازرسی و حسابرسی قانونی موزه با پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و تصویب هیأت امناء از بین افراد حقیقی و حقوقی انتخاب می‌شوند و نسبت به عملکرد موزه و نحوه اجرای برنامه‌ها و حسابرسی مالی اقدامات لازم را به عمل آورده و گزارش مربوط را به هیأت مدیره و هیأت امناء ارائه می‌نمایند.